

درباره سمفونی پنجم چایکوفسکی

دکتر شاهین فرهت

دانشیار گروه آموزشی موسیقی

دانشکده هنرهای زیبا

دانشگاه تهران

چایکوفسکی به فکر یک سمفونی تازه افتاد و بی درنگ پس از مراجعت به روسیه آن را شروع کرد. کمتر آهنگساز بزرگی چون چایکوفسکی تا این حد نسبت به آثار خودش اینچنین بدبین و منتقد بوده است. پس از شروع برای ساختن سمفونی پنجم چایکوفسکی طی نامه‌ای به دوست و طرفدار آثارش یعنی خانم فن مک Von meck چنین می‌نویسد:

«من به طرز بی سابقه‌ای بر روی سمفونی جدید خود کار می‌کنم، می‌خواهم نه تنها به دیگران بلکه به خودم ثابت کنم که هنوز تمام نشده‌ام، من اکثراً راجع به خودم شک دارم و به خود می‌گویم:

آیا زمان آن نرسیده که دیگر کار را تعطیل کنم، آیا از فکر خودم و الهامات خودم زیاد استفاده نکرده‌ام؟ آیا چشمه خشک نشده است؟ با همه اینها تعجب می‌کنم که بگویم نوشتن یک سمفونی جدید را شروع کرده‌ام در ابتدا به کنندی پیش می‌رفت ولی اکنون روان به جلو می‌رود.»

بالاخره در ۲۲ ژوئن ۱۸۸۸ چرک نویس سمفونی پنجم را تمام کرد و باز هم طی نامه‌ای به خانم فن مک چنین نگاشت:

می‌دهد و هویت ملی نیز در آن مشاهده می‌گردد. این دو ویژگی همراه با جذاب‌ترین ملودی‌ها که مخصوص اندیشه رومانیک، آهنگساز است و بدیع‌ترین زبان هارمونیک، عظمت و جدایت این آثار را سبب شده است.

تقریباً ده سال بین تصنیف سمفونی چهارم و سمفونی پنجم فاصله افتاد گو اینکه در این فاصله آهنگساز آثار بزرگی چون چهار سوئیت برای ارکستر، سرناده برای سازهای زهی و سمفونی مانفرد (manfred) را ساخته است. لازم به تذکر است که سمفونی مانفرد که بر روی منظومه لردبایرون شاعر انگلیسی ساخته شده است جزء سمفونی‌های شش‌گانه او نیست. در سه سمفونی آخر یعنی شماره‌های ۴ و ۵ و ۶ چایکوفسکی ایده زندگی و سرنوشت را هر کدام به نوعی مطرح کرده است، بنابراین هر کدام از این سمفونی‌ها به نوعی نیمه پروگراماتیک یا نیمه برنامه‌ای هستند.

سمفونی شماره ۵ در می‌مینور آپوس ۶۴ محصول سال ۱۸۸۸ است در شروع این سال آهنگساز به منظور رهبری و اجرای چند اثر خود راهی کشورهای اروپایی شد و در این سفر بود که برامس و گریگ را ملاقات کرد، در این سفر

در میان سمفونی‌سازان روس تنها آهنگسازی که همه سمفونی‌های او در سراسر جهان هم‌پای سمفونیست‌های بزرگ آلمان چون بتهون، برامس و بروکنر اجرا می‌شود، چایکوفسکی است. این آهنگساز با شش سمفونی در سراسر جهان به عنوان یکی از مصنفان این فرم به شمار می‌آید. به خصوص سه سمفونی آخر دارای مقام والاتری هستند و باز هم میان سه سمفونی آخر شماره ۵ در می‌مینور و شماره ۶ در سی‌مینور به نام پاتتیک (pathetique) چون دو نگین می‌درخشند. در ساختن سمفونی آهنگسازان دیگر روسی در قرن نوزدهم زور آزمایی کرده‌اند و آثار خوبی نیز خلق کرده‌اند. چون ریمسکی کرساکف با سه سمفونی، بورودین با سه سمفونی و بالاکیرف با دو سمفونی. لیکن علیرغم اینکه گاه‌گاهی بعضی از این سمفونی‌ها در سالن‌های کنسرت اجرا می‌گردد هیچکدام به محبوبیت سمفونی‌های چایکوفسکی نیستند.

سمفونی‌های چایکوفسکی از دو ویژگی مهم برخوردار است. اول اینکه پا به پای شاهکارهای سمفونیک آلمان از لحاظ فرم محکم و کلاسیک است، دوم اینکه کاملاً روسی صدا

«مشکل است که بگویم سمفونی جدید من یعنی سمفونی پنجم در مقایسه با سمفونی چهارم چه جایگاهی را داراست شاید سمفونی چهارم بهتر باشد. به هر حال من کار را تمام کردم ولی آنقدر خسته هستم که شب‌ها قادر به کتاب خواندن و یا خوابیدن نیستم.»

بعد از مدتی تاخیر چایکوفسکی ارکستراسیون سمفونی پنجم را شروع کرد و در همان حال طی نامه‌ای به خانم فن مک چنین نوشت:

«من به تازگی خیلی خوب کار می‌کنم و نصف سمفونی پاک نویس شده حاضر است.»

علیرغم اینکه آهنگساز عقیده داشت که سمفونی پنجم به پای سمفونی چهارم نمی‌رسد، پس از اتمام کار آهنگساز راجع به این شاهکار هنری تغییر عقیده داد و طی نامه‌ای به فن مک چنین نوشت:

«حال که این سمفونی در شرف اتمام است به یاری خدا باید بگویم که پائین‌تر از سمفونی‌های قبلی نیست و هر روز بیشتر آن را دوست دارم و راجع به آن زود قضاوت کردم.»

علیرغم رضایت، آهنگساز در تشویش بود که این اثر چه تاثیری بر روی همکاران، دوستداران و شنوندگان خواهد گذاشت.

تاثیری که این سمفونی بر روی شنوندگان گذاشت بی سابقه بود گو اینکه در اجراهای اول مردم به درستی آن را درک نکردند ولی بعد عظمت آن تجلی پیدا کرد. آهنگساز می‌نویسد: «تصور کنید که چقدر خوشحال شدم از اینکه می‌بینم سمفونی جدید من هر روز بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و می‌فهمم که کار بدی انجام نداده‌ام.»

در اکتبر ۱۸۸۸ نت این سمفونی به چاپ رسید و در پنجم نوامبر همان سال برای اولین بار به رهبری چایکوفسکی اجرا گردید.

در سال ۱۸۸۹ چایکوفسکی برای دومین بار به یک سفر کنسرتی در کشورهای اروپایی دست زد، در هامبورگ بسیار خوشحال و هیجان زده شده وقتی دید که برامس برای شنیدن سمفونی پنجم آمده است. به هر حال

جالب اینجاست که آهنگساز متناوباً از شاهکار خودش خوشحال و غمگین می‌شد تا بالاخره آن را به عنوان اثری جاویدان پذیرفت.

سمفونی شماره ۵ در می‌مینور اُپوس ۶۴ یک تم است که در شروع سمفونی آورده شده است این تم یک ایده فیکس Idee fixe است که معرف سرنوشتی است که چایکوفسکی از آن سخن به میان آورده است این تم در محزون‌ترین شکل خود در شروع به گوش می‌رسد و در چهار قسمت سمفونی با حالات مختلف آورده شده است.

مقدمه قسمت اول چهار ضربی است، لیکن وقتی به قسمت اصلی می‌رسیم موسیقی تندتر می‌شود و ریتم $\frac{6}{8}$ پیدا می‌کند، قسمت اصلی از میزان ۳۸ شروع می‌شود، تم اصلی یکی از دراماتیک‌ترین و مؤثرترین ملودی‌های آهنگساز است و شباهت زیادی به مقدمه اپرای بی‌بی پیک دارد، تم دوم از میزان ۱۱۶ شروع می‌شود و حالتی شاعرانه به خود می‌گیرد، دو تم فرعی نیز پس از این دو نغمه آورده شده است. یکی در میزان ۱۵۴ که گرفته شده از تم اول است و دیگری در میزان ۱۷۰ که مشتق از تم دوم می‌باشد.

بسط و گسترش از میزان ۲۱۴ شروع می‌شود و همه تم‌ها استادانه گسترش می‌یابد، در این مرحله قسمت اول به اوج هیجان خود نزدیک می‌شود و سپس در میزان ۳۲۰ برگشت تم‌ها آغاز می‌گردد، مرحله پایانی قسمت اول از میزان ۴۷۱ شروع می‌شود که بر اساس تم اول ساخته شده است، اوج این مرحله و یا بهتر بگویم یکی از قله‌های بناسازی آهنگساز در میزان ۵۰۳ آورده شده است. این لحظه مهیج از اینجا فروکش کرده و قسمت اول با فضای اندیشناکی در میزان ۵۴۲ به پایان می‌رسد.

قسمت دوم سمفونی با نوای هورن که تم اصلی را می‌نوازد شروع می‌شود و ادامه آن را به صورت تغییر یافته، سازهای زهی دنبال می‌کنند. این تم سرمنشاء نفحات فرعی در طول این قسمت است. تا جایی که در میزان

۶۰۶ ابتدا کلارینت و سپس باسون و بالاخره ویلنسل‌ها آن را به مؤثرترین و رمانتیک‌ترین نوع ممکن ارایه می‌دهند و بالاخره ایده فیکس سمفونی را هم در آخر این قسمت به صورتی مهیج می‌شنویم.

در قسمت سوم چایکوفسکی فضای آرام‌تری را در قالب یک والس ارایه می‌دهد. لیکن فضای اندیشناک سمفونی حتی در این قسمت نیز کاملاً ملموس است تا جایی که ایده فیکس در آخر این قسمت به نوعی متفکرانه آورده شده است.

قسمت چهارم با همان ایده فیکس شروع می‌شود. اگر در شروع سمفونی این تم اندیشناک و غم‌آلود است در این قسمت مصمم و استوار جلوه می‌کند. پس از مقدمه قسمت اصلی شروع می‌شود که مانند قسمت اول به فرم سنات است و پس از بسط و گسترش به تکرار تم‌ها می‌رسد، در کودای سمفونی گام می‌مینور به می‌ماژور تبدیل شده و سمفونی با اشاره به تم اول قسمت اول به طرزی پیروزمندانه به پایان می‌رسد.

ارکستراسیون سمفونی پنجم نیز مانند سایر آثار ارکستری چایکوفسکی بسیار رنگین و جذاب است، فرم در دست آهنگساز علیرغم همه انتقادات و نارضایتی‌های خود آهنگساز کامل و استادانه است. از همین رو سمفونی پنجم قابل مقایسه با بزرگترین آثار رومانتیک سمفونیک قرن نوزدهم آلمان چون سمفونی‌های برامس و بروکنراست. چایکوفسکی در آخرین اثر خود سمفونی ششم به کمال می‌رسد و خودش نیز برای نخستین بار ابراز رضایت می‌کند چه از لحاظ فرم و چه از لحاظ بیان موسیقایی، در اینجاست که حتی راهی نو برای آیندگان خود چون شوستاکویچ در نوشتن سمفونی باز می‌کند. لیکن سمفونی پنجم در جای خود چون نگینی در ادبیات سمفونیک جهانی می‌درخشد. نسخه اصلی و دستنویس این اثر در موزه مرکزی گلینکا Glinka در مسکو نگاه‌داری می‌شود.